محمدجعفر ایرانی، عضو هیات مدیره بانک توسعه تعاون:

بانک توسعه تعاون جریان منابع و مصارف را به خوبی هدایت کرده است

درباره وضعیت فعلی بانک توسعه تعاون توضیحاتی ارائه دهید.

بانک توسعه تعاون ضمن آن‌که عهده‌دار مسئولیت‌ها و رسالت مهم خود در رابطه با جامعه هدف و عموم است، تلاش کرده تا به لحاظ مالی و استانداردهای حسابداری و نیز مدیریت کلان بانکی مطابق اصول و حرفه‌ای عمل کند. گرچه بانک هیچ‌گاه هدف اصلی خود را تعریف و تحقق سود ندانسته و همواره رویکرد حمایتی را در مواجهه با جامعه هدف در نظر داشته، با این حال صورت‌های مالی و عملیات خود را در مسیر اصولی و مطابق قواعد و چارچوب‌ها هدایت و محقق کرده است. گرچه سهم بانک در انجام تسهیلات تکلیفی و طرح‌های ملی بالا بوده اما در مدیریت مطالبات نیز بانک توسعه تعاون از بانک‌های پیشروست و اقساط تسهیلات دوره‌های پیشین در دوره جاری و بموقع وصول گشته و منابع بانک در سطح مطلوبی مدیریت می‌گردد.

به طور کلی بانک در پی آن بوده است تا با رعایت انضباط مالی و نقدینگی همواره جریان مصارف و منابع را به خوبی مدیریت کرده و شرایط مساعدی را برای اعطای تسهیلات به جامعه هدف و تعاون‌گران و تولیدکنندگان مهیا کند.

تعاون قدمت زیادی دارد اما در اقتصاد ایران سهمش اندک است. دلیل این موضوع چیست؟

برای پاسخ به این پرسش ابتدا باید به چند نکته اشاره کنم. مفهوم تعاون به مشارکت جمعی گفته می‌شود تا بتوانند اقدامات خود را گسترش دهند. آیه قرآن « تعاونوا عَلَی البر والتقوی ولا تعاونوا عَلَی الاثمِ والعدوانِ به معنای در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید» هم به این موضوع اشاره دارد. اولین اشاره به بخش تعاون به سال ۱۳۰۰ و زمانی که قانون تجارت در کشور نوشته شد بر می‌گردد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در آمده و به آن تاکید شده است. در اصل ۴۴ قانون اساسی نظام اقتصاد بر سه پایه دولتی، خصوصی و تعاونی معرفی می‌شوند که مطابق سند چشم‌انداز ۲۰ ساله سهم تعاون بایستی به ۲۵ درصد برسد. سند بخش تعاون نیز که اواخر سال گذشته تصویب و ابلاغ شد موانع را از سر راه این بخش بر می‌دارد و باعث توسعه بیشتر خواهد شد.

علل ناکامی تعاون کجاست؟ چرا به حداقل سهم خود در اقتصاد کشور نرسید؟

حتما موانعی سر این راه بوده است. این موانع را به دو دسته تقسیم می‌کنم. موانع فرهنگی و مشارکت‌های اقتصادی سیاسی. در بخش ناکامی‌ها همان مسائل فرهنگی نقش پررنگ دارد. در واقع خرده فرهنگ‌ها تعاونی را به عنوان یک محصول بنجل در نظر می‌گیرد و تعاونی خیلی اوج پیدا نمی‌کند. خاطرم هست زمانی که در دبستان بودم اعلام می‌کردند مستضعفان دستهای‌شان را بالا بیاورند تا از اجناس تعاونی بهره‌مند شوند. در آن زمان مستضعفان معنای بدی نداشت و مستکبران مورد پذیرش جامعه نبودند. در واقع به افراد مستضعف اجناس بنجل و نامرغوب و زخمی را با قیمت‌های پایین‌تر می‌فروختند. این اقدام باعث شد تا در دهن همه آن بچه‌ها و خانواده‌هایشان تعاونی مساوی با جنس بی‌کیفیت شود که فقط برای دهک‌های پایین مناسب است. نکته دوم این‌که در خرده فرهنگ‌ها گفته می‌شود اگر شراکت خوب بود خدا برای خودش شریک می‌گرفت. این موضوع مخرب و مانع رشد و توسعه تعاونی است. تعاون به معنای گرد هم آمدن برای رشد است.



مشکلات و موانع اقتصادی در این بخش چه بود؟

سال ۶۲ قانون بانکداری بدون ربا مصوب شد. قرار بود شش ماه اجرا شود و بعد اصلاحات و نواقص آن برطرف و دوباره به شبکه بانکی بازگردد. قانون پایلوت شش ماهه اکنون ۴۰ سال است که در کشور اجرا می‌شود. از این قانون نمی‌توان انتظار رفع ربح مرکب و ربوی بودن را داشت. در حوزه‌های قانون‌گذاری و تدوین‌گری پیوست‌های صنایع مختلف هنوز طراحی نشده است. مانند همین قانون بانکداری بدون ربا. به بیان بهتر تقویت فعالیت سندیکاهای بزرگ خیلی اقبال ندارد و بخش‌های مختلف نیز در این راستا گام محکمی برنداشتند.

آیا آماری از فعالیت تعاونی‌ها در کشورهای دیگر دارید؟

در کشور هلند بزرگترین سندیکای تشکل تعاونی گل و گیاه وجود دارد. در ایرلند نیز تعاونی چوب‌بری ۱۲۰ هزار نفری مشغول فعالیت است. در برزیل متکدیان تشکیلات تعاونی و در پارلمان برزیل نماینده دارند اما در ایران در طول سال‌های گذشته برنامه مدونی برای پیشرفت بخش واقعی و مردمی اقتصاد تهیه نشد.

آیا تعاون به سهم ۲۵ درصدی خود در اقتصاد می‌رسد؟

قطعا این امکان وجود دارد. در این بخش می‌خواهم اقتصاد ایران را به سه بخش مهم تبدیل کنم. حدود ۴۴ سال از انقلاب اسلامی می‌گذرد. در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی جنگ اتفاق افتاد و اقتصاد کاملا دولتی بود. در واقع دولت مجبور بود اقتصاد را دولتی و تثبیتی و غیر قابل تغییر قرار دهد و کوچکترین نیازها از دولت تامین می شد. از میلگرد و سیمان گرفته تا شیر و پنیر. در بخش دوم شاهد دوران سازندگی بودیم که اقتصاد به سمت خصوصی شدن رفت. بنگاه‌ها به بخش خصوصی واگذار شدند و در این دوره زمانی ۱۵ ساله اقتصاد خصوصی هم تجربه شد. بعد از آن مجبور هستیم هم برای توالی کار و هم برای شرایط اقتصاد کشور به دلیل این‌که طعم دو اقتصاد دیگر را چشیده بودیم به تعاون میدان دهیم. تاکید می‌کنم اکنون عصر، عصر تعاون است. تعاونی‌ها این امکان را دارند که حتی تحریم‌ها را دور بزنند. در شرایط فعلی می‌توان مردمی بودن اقتصاد را رقم زد. در واقع باید اقتصاد کوچک و متوسط را شکل دهیم و با فضای نقدینگی و ارزآوری‌هایی که صورت می‌گیرد کشور را مدیریت کنیم.

برای رسیدن به این هدف چه زیرساخت‌هایی نیاز است؟

بخش اقتصاد تعاونی در حوزه دهک‌های پایین و متوسط جامعه باید ریل‌گذاری درستی داشته باشد. مختصر عرض می‌کنم. در واقع می‌تواند تعاون بخش فعال و اثرگذارتری باشد. برخی از موانع در توسعه تعاونی‌ها نه به قانون بر می‌گردد و نه به اسناد بالادستی، بلکه بخشی از مشکلات مدیریتی است. اکنون ۱۰۰ هزار تعاونی فعال در کشور داریم که تامین نقدینگی آنها را انجام می‌دهیم. در یک حوزه اجتماعی ۱۷۰۰ مورد قانون وجود دارد که هر کدام ممکن است دیگری را نقض کند. زمانی که صحبت از قانون می‌کنیم لزوما خلا قانون نیست بلکه ممکن است منظور تعدد قانون باشد. اکنون سوئیفت که پیام‌رسان بین‌المللی است یک سندیکای تعاونی است. سوئیفت یک سندیکای تعاونی است. اکنون در شانگهای شرایط ویژه‌ای برای ایران فراهم شده و امیدواریم از این وضعیت به درستی بهره‌مند شویم.

۱۰ زیرساخت توسعه بخش تعاون:

۱. حمایت حاکمیت
۲. توسعه فرهنگسازی
۳. تامین منابع مالی
۴. تدوین‌گری سیاست بالادستی
۵. تغییر نگاه سهامداری
۶. تشکیل بازار متشکل
۷. توسعه ارتباطات
۸. بهره‌مندی از تجربیات جهانی
۹. توسعه فناوری
۱۰. تولید باکیفیت